

آموزش و پرورش، انسان سازی و اصلاح اجتماعی

جواد شیرکرمی^۱، قاسم خدادادی^۲

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

^۲ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

چکیده

امروزه نقش آموزش و پرورش در ابعاد مختلف تربیتی و تأثیر آن بر اخلاق، رفتار، گفتار، عملکرد، ارتباطات و... بر کسی پوشیده نیست. می توان گفت که نظام های آموزشی، تغییر و تحولات سرنوشت سازی را در یک جامعه به وجود می آورند. آگاه سازی اولیاء دانش آموزان هم در بعد برنامه های آموزشی و تعامل با محیط آموزشی و هم در برجسته سازی و تفهیم نقش و وظیفه آنان در قبال آموزشگاه و فرزندان خود، از وظایف آموزش و پرورش است که در حال حاضر به یک ضرورت تبدیل شده است. با وجود پیشرفت ها و فناوری های جدید و به تبع آن بروز پیچیدگی ها و فرهنگ های نوین، اگر نظام های آموزشی و دست اندرکاران آن در مقطعی دچار سردرگمی و بی نظمی شوند و یا آمادگی و برنامه های متناسب را نداشته باشند، دیری نخواهد پایید که کل یک جامعه دچار رکود و ضعف خواهد شد. بنابراین لازم است که آموزش و پرورش امری مؤلفه های توسعه و رشد اجتماعی، فعالیت اقتصادی، انصاف و قانون مداری، خلاقیت و نوآوری، نقادی و بیان گفتاری و نوشتاری را در محتوا، اهداف، روش ها، برنامه ها و برنامه ریزی ها دنبال کند و تلفیق محتوای رسمی و غیررسمی و آموزش همه جانبه، جامع و عمومی را در دستور کار قرار دهد.

واژه های کلیدی: آموزش همگانی، تلفیق برنامه ها، اصلاح اجتماعی، آموزش و پرورش جامع.

۱. مقدمه

«آموزش و پرورش زمینه ساز رشد فکری و اخلاقی انسان ها در یک جامعه پویا است. اهمیت نقش آموزش و پرورش در تربیت نیروهای متخصص، دانشمند و آشنا به علوم جدید بسیار حائز اهمیت است. اگر ما بخواهیم بمانیم و کرامت داشته باشیم و ابزار دست دیگران نشویم، هیچ راهی نداریم جز اینکه از علوم تجربی، تکنولوژی و دستاوردهای مثبت تمدن بشری استفاده کنیم. برای رسیدن به جامعه ای ایده آل، پیشرفته و پویا که در آن انسان ها صاحب حق و حرمت باشند، نیازمند تشکیلات نو، معلمان نواندیش و دانش آموزان نوپرداز هستیم. آموزش و پرورش را می توان مهمترین اندام و به منزله قلب پیکره یک جامعه دانست که هرگونه آسیبی به آن، موجب زیان سایر بخش ها می شود و همچنین می تواند موجب شکوفایی سایر بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود. با مطالعه در سرنوشت و سیر صعودی کشورهای پیشرفته، متوجه نقش مهم آموزش و پرورش در ارتقا و به فعلیت رسیدن استعداد سایر بخش های این کشورها می شویم. آموزش و پرورش می تواند به ایجاد سازگاری بین زندگی مادی و معنوی کمک کند تا نیروهای معنوی و اخلاقی مورد نیاز زندگی امروزی را تربیت کند» (محمدزاده، ۱۳۹۳).

واژه جامع مترادف فراگیر، همه گیر، تمام و کمال است و در فرهنگ معین به معنای جمع کننده و گردآورنده و کامل آمده است. برنامه ریزی جامع در آموزش و پرورش باید تمام دوره های آموزش رسمی، از پیش دبستانی تا دانشگاه، تعلیمات بزرگسالان و انواع دیگر آموزش غیررسمی را در برگیرد و علاوه بر این، مسائل آموزشی باید به امور مدیریتی، بودجه و اعتبارات، ساختمان و تجهیزات، و سایر امکانات نیز بپردازد^۱.

امروزه اینکه که آموزش و پرورش با دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و... در ارتباط تنگاتنگی است، یک واقعیت غیرقابل انکار است. آیا مسئولیت پذیری، وجدان کاری، قانون مداری، و... با وضعیت تربیتی فرد در گذشته و حال در ارتباط نیست؟ آموزش و پرورش (رسمی و غیررسمی) نقش تعیین کننده ای در زندگی انسان، طرز فکر، گفتار و رفتار و حتی تخصص و عملکرد او دارد. اما مطالعه وضعیت موجود تربیت انسانی آیا نشان دهنده یک کارنامه موفق است؟

۲. آموزش و پرورش و انسان سازی

آموزش و پرورش (آن طور که شاید و باید) انسان ساز نیست، وقتی ما به عنوان پدر تعلیم کافی ندیده باشیم یا خود معلم تعلیم کافی ندیده باشد، نمی توانیم تعلیم دهندگان خوبی هم باشیم. تعلیم و تربیت و آموزش و مهارت باید در اولویت کار قرار گیرد و آموزش باید به صورت همگانی و ارزشمند درآید. اصولاً ما آموزش را به عنوان یک هدف می بینیم در حالی که آموزش هدف نیست بلکه وسیله ای برای رسیدن به آن هدف است. جالب آن است شیوه هایی که ابداع می شود هم عمدتاً ضد آموزش است و رغبت و تلاش را از دانش آموز می گیرند. فضای تجسمی و تصویری برای آموزش می تواند مفید باشد، وقتی گفته می شود آموزش و پرورش باید انسان ساز باشد، این انسان سازی باید برای محصلان تعریف شود. در حالیکه به شکل مدام واژه های کلی، بدون کاربرد و بدون خروجی را تکرار می کنیم، بسیار جالب است که تلاش داریم تا نقطه آغاز یک تحول آموزشی باشیم (حاتمیان، ۱۳۹۳).

آگاهی سازی در نقش اولیاء و توسعه آموزش و پرورش تنها در انتقاد کردن از کیفیت اداره آموزشگاه به عنوان اصل اساسی برای والدین نیست بلکه مشارکت در بستر سازی های متفاوت هم اصلی است که دانش آموزان را امیدوار می نماید که والدین آنان فقط به دنبال ایراد گرفتن نباشند و می توانند با مداخله مؤثر، رشد آموزشی در آموزشگاه را تقویت نمایند. از این حیث همسانی و همسویی بین ولی دانش آموز و معلم آموزشگاه موجب می گردد تا آموزگار حاضر در کلاس بپذیرد که اولیاء علاوه بر دید نقادی، می توانند سطح کیفیت آموزشی را نیز بالا ببرند (خبرگزاری پانا؛ www.ghatreh.com).

^۱ <http://vista.ir/content/۱۵۸۸۲>

به جرأت می توان گفت که نظام های آموزشی چه در سطح دانشگاه و چه مدرسه با پیشگامی عناصر خود که در واقع روشنفکران جامعه به حساب می آمدند توانستند تغییرات اساسی و حیاتی را در بطن جامعه ی ایرانی به وجود آورند و موجبات بسیاری از اصلاحات گسترده را در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آورند، به طوری که تغییر نظام های سیاسی در ایران و پدید آمدن نهادهای قانون گذار و اجرایی همگی تا حد بسیار زیادی مرهون تلاش های روشنگرانه ی اقشار دانشگاهی و معلمان بود. همین مسئله به خوبی نشان می دهد که شمار بسیاری از عاملان اصلی اصلاحات و پیشرفت های اجتماعی و فرهنگی درون نظام های آموزشی و تربیتی جامعه قرار دارند و آن ها هستند که همواره و مستقل از هرگونه قدرت حاکمیتی می توانند ایده آل های یک جامعه را به تصویر کشیده و جهت دهنده ی افکار و رفتارها در سطوح خرد و کلان به سوی آن آرمان ها باشند (شعبانی، ۱۳۹۳).

در واقع، اگر نظام های آموزشی دچار سستی شوند و عاملان آن از نقش تأثیرگذار خود غفلت کنند، آن گاه بایستی انتظار جامعه ای را داشت که در لابه لای حجم زیادی از معضلات گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی، و ... در حال رکود است (همان). با این تفاسیر، آموزش و پرورش در سایر ابعاد و حوزه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در کل پیشرفت و فرایند تحقق توسعه در یک جامعه، نقش بسیار مؤثری را بر عهده دارد.

۳. حقوق و تکالیف اجتماعی

در حالی که برخی باور دارند که حقوق یک دانش پیچیده است و بسیاری از اصطلاحات آن قابلیت بیان عامیانه را ندارد، اما مقتضیات دنیای جدید، ساده سازی مقررات و آموزش همگانی را ضروری ساخته است. شهروندان آگاه به حقوق و وظایف خود، به نحو مؤثر و معنادارتری در روند زندگی اجتماعی مشارکت کرده و همچنین زندگی فردی خود را بهتر می توانند مدیریت کنند (امین زاده، ۱۳۹۴).

در واقع، لازمه زندگی جمعی، رعایت اصول و قوانین است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). امروزه مفهوم شهروندی، شامل مجموعه ای از حقوق و تکالیف است که زندگی اجتماعی بدون توجه به آن ممکن نیست. آموزش شهروندی را می توان انتقال دانش ها، مهارت ها و ارزش هایی دانست که به واسطه آن، اعضا خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند (همان). فراهم سازی بسترهای لازم برای استقرار حقوق، خدمات و رفاه اجتماعی در هر جامعه، ارتباط تنگاتنگی با آرامش و اعتماد عمومی در آن جامعه دارد. از طرفی، مواردی نظیر شفاف سازی (عملکردها و فرایندها)، میانه روی، آزادی و برابری و ... از عوامل تسهیل کننده و تحکیم بخش روند اعتمادسازی می باشد. تربیت اجتماعی با تربیت خانوادگی، وضعیت فرهنگی، ارزش ها، پیشرفت و رفاه و ... در ارتباط است.

۴. آموزش و پرورش و اجتماعی شدن

هدف مفهوم تربیت اجتماعی از قلمرو مدرسه و نهادهای رسمی آموزش و پرورش فراتر می رود، بدین معنی که تربیت اجتماعی افراد به کار آموزشگاه ها منحصر نیست و در بیرون از مدرسه و محیطی که کودک در آن زندگی می کند، سلسله محرک هایی بر او عرضه می شود که ممکن است شامل طیفی از بسیار آموزنده یا بسیار تخریب کننده را در بر داشته باشد. همچنین مطبوعات، رادیو، تلویزیون و تجارب شخصی از این جمله اند (محمدزاده، ۱۳۹۳).

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد فرهنگی و آموزشی رسالت بسیار سنگینی را در ارتقای فرهنگی جامعه دارد. این نهاد که وظیفه اصلی اش زیرساخت عناصر فرهنگی جامعه است در حمایت، پشتیبانی و بهسازی و اصلاح الگوهای فرهنگی می تواند نقشی بسیار اساسی را ایفا کند. استمرار فرهنگ سازی پس از نهاد خانواده به عهده این نهاد ارزشمند اجتماعی است؛ نهادی که با زیرساخت ها و بنیادهای اساسی اجتماعی می تواند نقش تعیین کننده ای را در جامعه ایفا کند. یکی از وظایف اساسی این نهاد مهم، تحکیم عناصر اجتماعی در جامعه است، به گونه ای که با فرهنگ سازی ضمن مقابله با عناصر فرهنگ بیگانه نسبت به جریان انتقال فرهنگی که از وظایف اساسی این نهاد است، زمینه های میراث فرهنگی را در جامعه تقویت کند. به

طور قطع هر اندازه عناصر فرهنگ یک جامعه قوی باشد تهاجم فرهنگ بیگانه در آن کارساز نیست و آموزش و پرورش رسالت اصلی خویش را باید معطوف به جریان انتقال، حفظ و تحکیم فرهنگ خودی کند. جامعه ای که نیروی انسانی اش از توانایی های لازم برخوردار باشد و آموزه های فرهنگی و علمی استاندارد را تجربه کند، تحت تأثیر عناصر منحرف قرار نخواهد گرفت و چنین نسلی در مقابل میکروب های اجتماعی، از ایمنی بالاتری برخوردار است و گرایشی به سوی ارتکاب جرم نخواهد داشت (جعفری، ۱۳۹۲).

تعامل اقتصادی و مفاهیم و عناصر آن، ظرف مناسبی برای تربیت معنوی است. مثلاً فهم «داد و ستد» و تمرین عملی متناسب آن، بستر مناسبی است تا مربیان بتوانند از آن برای تربیت دانش آموزان در مسائلی مثل رعایت حقوق دیگران، صداقت، پرهیز از نیرنگ و دروغ، اجتناب از حرص و طمع، تفکر و حسابگری، شناخت سود و زیان، رعایت حریمها، عدالت، انصاف، وفای به عهد، خدمت، هشیاری در روابط اجتماعی و... بهره گیری کنند. در گذشته که خانواده زودتر شکل می گرفت، شاهد تربیت اقتصادی سنتی بودیم تا فرزندان به محض توانایی برای ازدواج و تشکیل خانواده از توان لازم برای تأمین معیشت خود برخوردار باشند. در روستاها مسئله از این جدی تر بود و اکنون نیز در مناطقی از کشور که مهاجرت به شهرها صورت نگرفته، همچنان مشاهده می شود که فرزندان در اقتصاد خانواده مشارکت دارند و با حضور در مزارع و شالیزارها و گندمزارها در امور پرورش دام و صنایع دستی و تولید درآمد، نقش جدی ایفا می کنند.^۲

سلبی (۲۰۰۰) معتقد است که هدف از آموزش مهارت های زندگی، افزایش توانایی های روحی- اجتماعی است، آن مهارتهایی که می تواند افراد را در اداره ی مؤثر نیازها، سختی ها و فشارهای زندگی توانا سازد (ادیب، ۱۳۸۲). توسعه مهارت های زندگی به مهارت هایی گفته می شود که به ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سلامتی در سطح جامعه منجر می گردند و فرد را قادر می سازند تا به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش های زندگی روبه رو شوند. همزمان با رشد جسمانی و روانی، انتظار جامعه و خانواده نیز از فرد نوجوان و جوان افزایش می یابد؛ به طوری که آنها می پذیرند به سبب زندگی اجتماعی، باید بخشی از تمایلات خود را محدود کنند و در چارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار گیرند. یادگیری این مهارت ها برای همه افراد جامعه ضروری است، اما در سنین نوجوانی و جوانی اهمیت ویژه ای دارد.^۳

۵. نقش آموزش در کاهش ناهنجاریها

مدرسه و نهاد آموزش و پرورش، به عنوان محیطی خاص شناخته شده که همه افراد به دلیل آنکه از مزایای زندگی اجتماعی بهره مند شوند ملزم به گذراندن مراحل مختلف آموزش و پرورش مدرسه ای هستند. نظام مدرسه سهم عمده ای در انتخاب و تخصیص افراد برای ایفای نقشهای اجتماعی دارد. منظور از آموزش و پرورش، به حرکت درآوردن فرآیند توسعه همه جانبه بشری است که در طول زندگانی انسان ها با هدف شکوفایی فکری، جسمی، احساسی، اخلاقی و معنوی صورت می گیرد. از طرف دیگر وظیفه آموزش و پرورش تنها تربیت آموزشگاهی و یا تدریس یک شخص معین و یا یک درس معین به حساب نمی آید. وظیفه آموزش و پرورش است که کودک را هم فردی شایسته بار آورد تا برای خود دارای صفات خوب انسانی باشد و هم او را عضو مؤثر جامعه کند تا فردی مفید برای دیگران باشد (محمدزاده، ۱۳۹۳).

یکی از مسائل و مشکلات بغرنج جوامع امروز که توجه بسیاری از روانشناسان، جامعه شناسان و حقوقدانان را به خود جلب کرده است مسئله بزهکاری است. بزهکاری از نظر حقوقی به رفتارهایی گفته می شود که بر خلاف قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی از سوی افراد صورت می گیرد. عوامل گوناگونی در بروز این پدیده مؤثر است و مواردی نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیولوژیکی و ... در کنار هم باعث می شوند که بزهکاری به منصفه ی ظهور برسد. برخی از پژوهشگران معتقدند

^۲ - <http://www.taamolnews.ir/fa/news/۸۴۷۶۱>

^۳ - <http://mehrkhane.com/fa/news/۱۳۳۶۳>

زمانی که بحران های اقتصادی- اجتماعی کانون خانواده را در بر می گیرد، در این شرایط طیف وسیعی از انسان ها ناچارند برای تأمین معاش خود به کارهای خسته کننده و طولانی، تن به کار دهند و دیگر فرصتی برای توجه دقیق به فرزندان باقی نمی ماند. برخی روانشناسان و جامعه شناسان، مسئله ازدیاد جرم را نتیجه تسریع روند پیشرفت ها و گسترش روزافزون و تکامل وسایل ارتباط جمعی می دانند.

عدم تطابق رفتارهای فرد با هنجارهای اجتماعی با عناوینی نظیر جرم، بزه، ناهنجاری، کجروی و ... مطرح می شود. با توجه به اهمیت شناخت علل بروز هر پدیده، معمولاً برای بررسی دلایل به وجود آورنده ی انحرافات اجتماعی؛ عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ... در جامعه مورد مطالعه قرار می گیرند.

یکی از مهم ترین امور و مسائل آموزش و پرورش در جهان معاصر، به ویژه در کشورهای جهان سوم که از لحاظ فناوری آموزشی هنوز پیشرفت نکرده اند، مسئله معلم است؛ زیرا معلم نسل ها را به همدیگر ارتباط می دهد، فرهنگ جامعه را حفظ و در صورت نیاز تغییر می دهد و تکامل می بخشد. معلم به رفتار دانش آموزان شکل می دهد و افراد مورد نیاز جامعه را تربیت می کند. به همین دلیل امروزه در کشورهای پیشرفته، با وجود پیشرفت های خارق العاده فناوری، به خصوص فناوری آموزشی، هنوز جایگاه استاد و معلم محفوظ است؛ چون هیچ ماشینی نتوانسته است جای او را بگیرد (آمار، ۱۳۸۷؛ کاوه، ۱۳۹۱). از همین رو و به دلیل جایگاه و نقش مهم معلم، وی باید با دانش آموزان رفتار مسئولانه و محبت آمیزی داشته باشد تا آنها، با علاقه و اشتیاق در مدرسه حاضر شوند و او را الگو قرار دهند. دانش آموزان خصوصاً در دوره دبستان، معمولاً به رقابت با یکدیگر اهمیت می دهند، رقابت آنها که در ابتدا به صورت ملایم می باشد، به تدریج شدت یافته و بر رشد اجتماعی آنان اثر می گذارد (محمدی، ۱۳۸۷؛ به نقل از کاوه، ۱۳۹۱). معلم می تواند با افزایش مطالعات و دانش خود و به وسیله کمک گرفتن از ابزارها و فرصت های مناسب و با بهره گیری از روش های رسمی، غیر رسمی و فعالیت های مکمل و فوق برنامه، در جهت درونی کردن ارزش های مطلوب و هنجارهای اجتماعی در دانش آموزان اقدام کند.

اگر محتوای کتاب های درسی با قوه درک و فهم کودکان و نوجوانان مطابقت داشته باشد، در ایجاد انگیزش و تحریک حس کنجکاوی آنها مفید خواهد بود و در نتیجه، آنان بهتر مفاهیم درسی را درک می کنند و در امور تحصیلی موفق می شوند و در نهایت گرایشی به سمت انحرافات اجتماعی پیدا نخواهند کرد. اغلب محتوای کتاب های درسی، بر اساس حیطه شناختی (دانش و فهمیدن) تدوین شده و در ارزشیابی ها بیشتر به همین سطوح توجه می شود. برای ایجاد پویایی و خلاقیت و جلوگیری از انجماد فکری، پرسش ها و تمرین های کتاب ها باید در جهت ارزشیابی قلمروها، حیطه ها و سطوح متعدد در ابعاد شناختی، عاطفی، روانی و حرکتی باشد. اگر محتوای کتاب های درسی بدون در نظر گرفتن هدف های مطلوب آموزشی تنظیم شود، باعث بی توجهی دانش آموزان به مطالب کتاب درسی خواهد شد و یک نوع سردرگمی و به بیراهه رفتن را در ذهن و فکر دانش آموزان به وجود می آورد. در تدوین کتب درسی، باید نیازها، ظرفیت ها، توانمندی ها و قابلیت های کودکان و نوجوانان را مدنظر قرار داد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳). با توجه به رسالت آموزش و پرورش در حوزه های آموزشی و نقش آن در تربیت انسانی مطلوب و متناسب با مقتضیات زمانی، محتواهای آموزشی نیز باید در راستای انطباق و پاسخگویی به نیازها و پیچیدگی ها و در مواجهه با نتایج حاصل از دنیای جدید باشند.

۶. پژوهش محوری در آموزش و پرورش

در دنیایی که اطلاعات به سرعت در حال تغییر است و واقعیت های پیچیده اقتصادی- اجتماعی، محیطی و اخلاقی به سرعت راه خودشان را به زندگی فردی و اجتماعی افراد باز کرده اند، ضروری است بچه هایی متفکر، منتقد، پژوهشگر و محقق تربیت کنیم تا این کودکان، هر روز در زندگی با واقعیتها و مشکلات روبرو شده و مسایل را خود حل کنند. ولی آیا دانش آموزان ما مهارت های لازم برای تحقیق و پژوهش را در مدرسه آموخته اند؟ در دنیای پیچیده امروز، تغییرات زیادی در زندگی بشری در حال وقوع است و شاهد رقابت های بسیار فشرده جوامع در دستیابی به فناوری برتر هستیم. به نظر

می‌رسد، فرد و جامعه مجبورند به طریقی در وضعیت خویش تغییر ایجاد کنند تا از قافله علم، فناوری و پیشرفت عقب نمانند (باقرزاده، ۱۳۹۴).

حرکت به سمت پژوهش محوری، موجب کاهش فاصله میان نظر و عمل شده و نظرات علمی و آکادمیک را به محیط آموزشی و مسائل محلی و منطقه ای پیوند می دهد (www.iramoz.ir).

دانش آموز قرن بیست و یکم نمی تواند عنصری بی اختیار باشد که حتی چگونه یاد گرفتن هم از اختیار او خارج باشد و هیچ گونه دخل و تصرفی در آنچه می آموزد، نداشته باشد. امروزه، برنامه های از پیش تعیین شده و بی چون و چرا، دیگر جوابگوی مسایل نیستند (کدیور، ۱۳۸۱). در عصری که کتابهای درسی قبل از در آمدن از زیر چاپ، کهنه می شوند و بیش تر مشاغل، نوآوری های سریع و مداوم را تجربه می کنند، ناگزیر باید هدف های غایی و کلی تعلیم و تربیت تغییر یابند و به پرورش شیوه تفکر انتقادی در افراد، به عنوان یکی از هدف های اصلی تعلیم و تربیت، بیش تر توجه شود. همچنین، در فرآیند آموزش باید ضمن تقویت روحیه ی انتقادپذیری در معلمان، روحیه انتقاد کردن و زمینه ی بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد (مایرز، ۱۳۸۳؛ به نقل از باقرزاده، ۱۳۹۴).

اولین قدم ایجاد انگیزه نوشتن در دانش آموزان می باشد. برای پرورش استعداد های عام و برای آموزش نوشتن یا آموزش انشاء باید شیوه هایی در پیش گرفت که مناسب مخاطبان باشد. یکی از آن شیوه ها این است که بتوانیم در دانش آموزان خود «انگیزه نوشتن» ایجاد کنیم و این نخستین و مهمترین گام است. اگر معلمان جامعه به تفکر خلاق و منطقی و انتقاد گر معتقد بوده و در پی اعمال این تفکر باشند، دادن میدان بیشتر برای نوشتن و ابراز ایده ها از طریق تشویق و همیاری و استفاده از مطالعه و کتابخوانی در ساعات مربوطه به این امر کمک می کند. موانعی که سر راه بهبود و شکوفایی تفکر خلاق هستند از جمله امکانات آموزشی و کمک آموزشی، محیطی (خانوادگی و آموزشی) و... باید برطرف شوند. در درس انشا می توان از منطق، قیاس و تمثیل بهره برد، تا فرد با ابزاری که در دسترس دارد به ابداع و خلق اندیشه ها دست یابد. روش تدریس فعال روشی است که برای تحقق اهداف آموزشی، فراگیران محور فعالیت می باشند و معلم به عنوان ناظر و راهنما هماهنگی لازم را به عمل می آورد که شاگردان به صورت انفرادی یا گروهی به فعالیت بپردازند (ریانی، ۱۳۸۹) ^۴.

انشا از جمله انواع نوشتن محسوب می شود و آخرین و پیچیده ترین مرحله زبان آموزی به شمار می رود تا زمانی که پیش نیازهای نوشتن تحقق نیافته امر نوشتن بخصوص انشاءنویسی هم میسر نخواهد شد. رونویسی و مشق نویسی های خسته کننده در دوره ابتدایی یکی از علل بارز افت تحصیلی می باشد که دانش آموزان را نسبت به تحصیل و ادامه آن بی میل می کند و هر گونه ابداع و ابتکار را از یادگیرنده سلب می کند و فرصت های گران بهای نونهالان دوره ابتدایی را برای بارور شدن از بین می برد. معلم قصه یا انشایی ناتمام را در اختیار شاگردان قرار می دهد تا آن ها یا بصورت انفرادی یا بصورت گروهی و با هم فکری آن این انشاء را تمام کنند. اگر کار بصورت گروهی اجرا شود گروه های ۲ یا ۳ نفره مناسب هستند و بهتر است برای خوب ترین انشاء یا داستان نمره ای در نظر گرفته شود. معلم می تواند قصه یا انشایی را که ترتیب حوادث آن به هم ریخته است در اختیار دانش آموزان قرار دهد تا بچه ها توالی جملات و حوادث را درست می کنند و با شماره گذاری و رونویسی مجدد آن را بصورت یک انشاء یا داستان در آورند و برای پرورش خلاقیت، می توان انتخاب نام قصه را بر عهده خود آنها گذاشت (یعقوبی مجد، ۱۳۹۱). وقتی کودکان داستان ها را می خوانند و درباره تجارب شخصی مردم حرف می زنند، تشویق می شوند تا داستان بنویسند و داستان را به نمایش در آورند (قاضی، ۱۳۹۳).

۷. جمع بندی

امروزه مسأله تربیت و تأثیر آن بر پیشرفت، توسعه و کیفیت زندگی فردی و اجتماعی و ... بر کسی پوشیده نیست. ما هر روز والدینی را می بینیم که در مورد مفاهیم تاریکی، غریبه، کار و فعالیت و... تصورات نامطلوبی را در ذهن کودکان خود ایجاد می

^۴ - <http://www.afde.blogfa.com/post-۳۸.aspx>

کنند. اگر چه معمولاً هدف آنها ممکن است آرام کردن موقت بچه ها باشد اما در واقع رفته رفته چنین آموزه هایی درونی می شوند.

لازم است بعضی وقت ها والدین و بزرگترها مهارت های تربیتی خود را بالا ببرند و اشتباهات مهم خود را بشناسند. درست هنگامی که ما با عصبانیت و قاطعانه به فرزندانمان امر و نهی می کنیم که فلان کار را باید و فلان کار را نباید انجام دهد، بیشتر اوقات او در پاسخ می گوید: چشم، ولی در عمل کاری را که خود دوست دارد، انجام می دهد. گاهی هم گفت وگوهای ما به کشمکش تبدیل شده و اوضاع را خراب تر از آنچه که هست می کند و وقتی به خود می آییم و می بینیم که دسترنج آموزش های رفتاری و انضباطی ما نتیجه ای عکس داشته است، و بنابراین درمانده می شویم و می اندیشیم که چه باید کرد؟ از دیگر رفتارهای اشتباه والدین عبارتند از: توسل به دروغ های ترسناک، تهدید کردن، مخالفت کردن، رشوه دادن، قانون شکنی، کنترل و توضیح دادن های طولانی (جام جم آنلاین)^۵.

اگر آموزش و پرورش رسالت خود را در ابعاد رسمی دنبال کند، تکلیف بعد غیررسمی و آن همه زمان ارزشمند و سرنوشت ساز دوران کودکی که در خارج از مدارس سپری می شود چه می شود؟ البته منظور این نیست که کودکان تحت نظارت شدید و آموزش های فشرده و پیچیده باشند، اما آیا همه افرادی که کودک زمان بسیاری را با آنها سپری می کند مهارت های رفتاری، گفتاری و علمی را دارا هستند؟

کارآیی و اثربخشی دو نهاد خانه و مدرسه در پیشگیری از آسیب های اجتماعی غیر قابل وصف است. مواردی نظیر بداخلاقی، بدرفتاری، بی تفاوتی و عدم توجه به فرزندان در خانواده و مدرسه منشأ بروز مشکلاتی خواهد شد که مدرسه، جامعه و خانواده نیز برای حل و جبران آن باید زحمات زیادی متقبل شوند. از آنجا که بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی های اولیه زندگی دارد، همه بزرگسالان باید این دوره را به خوبی مدیریت کنند تا از این طریق از ایجاد و رشد و گسترش آسیب های اجتماعی جلوگیری شود. نقش مدیران، معلمان، مشاوران و فرهنگیان در مدیریت بحران ها بسیار پررنگ و اثرگذار است و تمامی اقشار زحمت کش فرهنگی باید دلسوزانه در خدمت کودکان و نوجوانان بوده و با وظیفه شناسی (همانطور که چنین بوده است) بیش از گذشته در مسیر رفع مشکلات احتمالی و بحران ها، آسیب ها و کجروی های اجتماعی و خدمت به قشر آینده ساز جامعه باشند (شیخ الاسلام، ۱۳۹۵).

به طور عام، انسان محصول آموزش و پرورش است و به شکل خاص، نوآوران و افراد مؤثر در جوامع بشری، نتیجه تعلیم و تربیت صحیح هستند. در دنیای پیچیده جدید، ابزارهای انحراف و شیوه های آن رشد یافته و زمینه آسیب های اجتماعی بیش از پیش فراهم شده است، که این امر، نقش و مسئولیت مراکز آموزشی و پرورشی را بسیار با اهمیت ساخته است. آموزش و پرورش جامع و کارآمد نیازمند گسترش برنامه ها در ابعاد رسمی، غیررسمی، ارتباط نظام دار میان اولیا و مربیان و برقراری ارتباط بین سطوح آموزش و پرورش عمومی، تخصصی و عالی است. باید بیاندیشیم و بررسی کنیم که آموزش ها در حوزه های مختلف علمی، فنی، سلامت بدنی و روانی و از همه مهم تر در حوزه مشکل گشایی و چاره اندیشی تا چه میزان موفقیت آمیز و کاربردی بوده است و کمبودها و نیازها را شناسایی و در جهت بهبود آنها برنامه ریزی کنیم.

^۵ - <http://www.akairan.com/khanevadeh/ravanshenasi-koodakan/۲۰۱۴۱۰۸۱۴۹۸.html>

منابع و مراجع

۱. امین زاده، الهام (۱۳۹۴). آموزش حقوق برای عموم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر ۸۱۷۴۴۹۸۱.
۲. حاتمیان، عبدالله (۱۳۹۶). (عضو کمیسیون کشاورزی در مجلس شورای اسلامی)، خبرگزاری علم و فناوری:
<http://www.stnews.ir/content/news/۳۸۷۴۳>
۳. شعبانی، محمد (۱۳۹۳). عاملیت معلم؛ ضرورتی برای تحقق اصلاحات اجتماعی، پایگاه خبری تحلیلی صدای معلم:
<http://sedayemoallem.ir/>
۴. کدیور، پروین (۱۳۸۱). روان‌شناسی تربیت، تهران، انتشارات سمت.
۵. شیرکرمی، جواد؛ شریفی، مینو؛ قنبری، فرزاد (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت فراگیران در عصر جدید (آسیب‌ها و راهکارها)، مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران. قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.
۶. قاضی، سجاد (۱۳۹۳). آموزش سخن گفتن به کودکان، بر گرفته از <http://sajjadghazi.persianblog.ir/tag>
۷. باقرزاده، پریسسا (۱۳۹۴). اهمیت تفکر و پژوهش، بر گرفته از
<http://parisabagherzadeh.blogfa.com/post/۲۳>
۸. ---، (۱۳۸۹). انشاء چیست؟، بر گرفته از <http://www.afde.blogfa.com/post-۳۸.aspx>
۹. ---، (۱۳۹۱). نقش شوراهای دانش‌آموزی در امور مدارس؛ همه چیز روی کاغذ، بر گرفته از
<http://www.mehrnews.com/news/۱۷۳۱۹۱۹>
۱۰. جعفری‌بای، ؟ (۱۳۹۲). نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از وقوع جرم، روزنامه ایران، شماره ۵۵۰۷ به تاریخ ۹۲/۸/۱۹، صفحه ۱۵.
۱۱. کاوه، محمد (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی (جلد اول)، تهران، نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.
۱۲. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. ---، (۱۳۹۶). آموزش و پرورش یک نهاد انسان‌ساز است، خبرگزاری پانا:
<http://www.ghatreh.com/news/nn۴۰۵۹۰۵۲۲>
۱۴. محمدزاده، شاپور (۱۳۹۳). نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه، سایت:
<https://social.parsiblog.com>

۱۵. نیازی، محسن؛ قبایی آرانی، محدثه؛ عسگری کویری، اسماء (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی با تأکید بر سبک زندگی و فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی: شهروندان شهرهای آران و بیدگل و کاشان)، فصلنامه جامعه شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، ص ۲۰۱-۲۳۲.

۱۶. یعقوبی مجد، الهام (۱۳۹۱). آموزش انشاء در دوره ابتدایی، بر گرفته از <http://elhamyaghobi.blogfa.com/post/۱۱>

۱۷. ---، (۱۳۹۳). نگرش تربیتی به مهارتهای اقتصادی، بر گرفته از <http://www.taamolnews.ir/fa/news/۸۴۷۶۱>

۱۸. ---، (۱۳۹۳). آموزش مهارتهای زندگی به دانش آموزان بر اساس سند برنامه درسی، بر گرفته از <http://mehrkhane.com/fa/news/۱۳۳۶۳>

۱۹. ---، (۱۳۹۳). ضرورت بازنگری در نظام برنامه ریزی کلان تعلیم و تربیت / مظلومیت دین در حوزه فرهنگ و تعلیم و تربیت، برگرفته از <http://www.mahrnews.ciom/service/religion-thought> در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۵.

Education, humanization and social reform

Abstract

Today, the role of education in different dimensions and its impact on morality, behavior, speech, performance, communication, etc. is clear to everybody. It can be said that educational systems bring about the transformation in a society. The parents' awareness of the students in the field of educational programs and interaction with the educational environment and in highlighting and understanding their role and duties towards the school and their children, The tasks of education have now become a necessity. Despite new advances and technologies, and the emergence of new complexities and cultures, If educational systems and practitioners are in a state of confusion and disorder or lack of appropriate preparation and programs, It will not take long for a whole society to suffer from stagnation and weakness. Therefore, it is imperative that today education follows the components of development and social development, economic activity, fairness and law and order, creativity and innovation, critique and spoken and written expression in content, goals, methods, plans and plans. And the integration of formal and informal content and comprehensive, comprehensive and public education To pay attention.

Keywords: Public education, Integration of programs, Social reform, Comprehensive education.